Scientific quarterly (scientific-research article) of Islamic world political research
Vol. 14, No. 3, Fall 2024, 33-58
DOI: 10.21859/priw-140302

Transition to Hedging Strategy: New Pattern in Saudi Arabia's Foreign Policy Behavior

Abdolmajid Seifi[1], Naser Pourhassan[2]

Date of Received: 2024/03/15 **Date of Acceptance**:2024/06/23

Abstract

During the reign of King Salman, Saudi Arabia's foreign relations have undergone changes with great powers and regional powers. Along with an alliance with the United States, Saudi Arabia's relations have expanded with other great powers, like China and Russia, and regional pillars like Turkey and Israel. This study seeks the answer what is Saudi Arabia's strategy in simultaneous relationship to expansion with great powers? The research hypothesis is that, considering the changes in the structure of the international system and the changes in the Middle East, Saudi Arabia has chosen the strategy of hedging as its strategy of foreign policy. The research findings are based on explanatory-analytical method, to reduce the risks of dependence on the United States; Saudi Arabia has expanded its relations with other great powers and key regional actors like Turkey and Israel. This diversification can decrease the risk of dependency on Saudi Arabia's foreign policy.

Keywords: Saudi Arabia, Hedging, Hard balance, Soft Balance, Economic Pragmatism

1. Assistant Professor of the Department of Political Science Ayatollah Borujerdi University, Borujerd,iran(responsible Author) , seifi2002@gmail.com

2. Associate Professor of the Department of Political Science Ayatollah Borujerdi University, Borujerd,iran. n.pourhassan1303@gmail.com

Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/ or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA...

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام
۳۴
سال چهاردهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۳

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال چهاردهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۳، صص ۵۸ - ۳۳

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۴۰۳۰۲

گذار به راهبرد مصون‌سازی: الگوی نوین رفتاری سیاست خارجی عربستان سعودی

عبدالمجید سیفی[۱]
ناصر پورحسن[۲]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۰۳

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

روابط عربستان در دوره ملک سلمان با قدرت‌های بزرگ دنیا و قدرت‌های منطقه‌ای دچار تغییراتی شده است. با توجه به سیاست خارجی محافظه‌کارانه عربستان و اتحاد راهبردی و یکسویه با آمریکا و متحدین منطقه‌ای آن طی دهه‌های گذشته، وضعیت جدید، مساله‌ای علمی و بایسته پژوهش برای جامعه علمی ایران است. براین اساس سوال اصلی مقاله به این شکل است که: «گسترش همزمان روابط عربستان با قدرت‌های رقیب و بزرگ دنیا و منطقه براساس چه راهبردی انجام می‌شود؟» فرضیه مقاله نیز اینگونه صورت‌بندی شده‌است: «عربستان براساس ادراک خود از دگردیسی معادلات قدرت در عرصه بین‌المللی و بازتاب آن در منطقه خاورمیانه، راهبرد مصون-سازی را برای گسترش روابط باتمامی بازیگران عمده بین‌المللی و منطقه‌ای در دستورکار سیاست خارجی خود قرار داده‌است». یافته‌های مقاله نشان می‌دهد عربستان علاوه بر آمریکا، روابط خود را چین و روسیه در حوزه‌های نظامی و اقتصادی گسترش داده و روابط منطقه‌ای خود را همه کشورهای منطقه از جمله قطر، ترکیه، و حتی ایران و اسرائیل نیز به درجات مختلف گسترش داده است. این متنوع‌سازی روابط که با افزایش قدرت سخت و موازنه نرم همراه شده ، برای کاهش آسیب‌های احتمالی در سیاست خارجی این کشور عربستان انجام می‌شود. مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

واژه‌های کلیدی: عربستان سعودی، مصون‌سازی، موازنه سخت، موازنه نرم، عمل‌گرایی اقتصادی

۱. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آیت الله بروجردی (ره) ،بروجرد،ایران(نویسنده مسئول) ، seifi2002@gmail.com
۲. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آیت الله بروجردی (ره) ،بروجرد،ایران n.pourhassan1303@gmail.com

Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

مقدمه

سیاست خارجی عربستان طی سال های اخیر به‌ویژه در دوره ملک سلمان در مقایسه با سال های قبل از آن بسیار متفاوت بوده است. در حالی‌که پس از جنگ جهانی دوم تا ۲۰۱۵ روابط تنگاتنگی با آمریکا داشت، اینک روابط آن با چین و روسیه به عنوان رقبای آمریکا در حوزه‌های مختلف اقتصادی، انرژی و نظامی در حال گسترش است. حتی نظامیان سعودی در روسیه آموزش داده می‌شوند (Parker & Lynch, 2021:20) که با توجه به انحصار آموزش نظامیان عربستان در آمریکا در طول چند دهه گذشته، تحول شگرفی محسوب می‌شود.

همچنین عربستان که خود را ام‌القرای جهان اسلام می‌داند و برای تشکیل دولت مستقل فلسطین طرح‌های گوناگونی مانند طرح فهد ۱۹۸۱ و طرح امیر عبدالله ۲۰۰۲ ارائه کرده بود، در آستانه سفر جوبایدن رئیس جمهور آمریکا در جولای ۲۰۲۲ که با پرواز مستقیم از تل‌آویو به جده انجام شد، حریم هوایی خود را بر روی هواپیماهای تجاری اسرائیل گشود. روابط عربستان با دیگر کشورهای رقیب نظیر قطر، ترکیه و عراق نیز در حال گسترش است. ریاض هم از واشنگتن تسلیحات پیشرفته خریداری می‌کند و هم از پکن موشک بالستیک (Houghton, 2022: 132). به‌علاوه عربستان در کنار موازنه سازی نرم خود که ناشی از موقعیت ویژه آن در جهان عرب و جهان اسلام است، از نظر قدرت سخت‌افزاری نیز در رده‌های نخست دنیا از نظر هزینه‌های نظامی است.

این ناسازه به‌عنوان مساله علمی در این مقاله مورد کندوکاو قرار می‌گیرد. بر این اساس سوال اصلی مقاله به این شکل مطرح می‌گردد که «گسترش همزمان روابط عربستان با قدرت‌های رقیب و بزرگ دنیا و منطقه براساس چه راهبردی انجام می‌شود؟» در این راستا فرضیه مقاله به این شکل صورت‌بندی می‌شود : «عربستان سعودی براساس ادراک خود از دگردیسی معادلات قدرت در عرصه بین‌المللی و بازتاب آن در خاورمیانه، راهبرد مصون‌سازی را برای گسترش روابط باتمامی بازیگران عمده بین‌المللی و منطقه‌ای در دستور کار سیاست خارجی خود قرار داده‌است.» کندوکاو علمی این تحولات در سیاست خارجی عربستان هم نشانگر تحول در عرصه سیاست بین‌المللی و منطقه‌ای است و هم اینکه سیاست عربستان به دلیل رقابت با جمهوری اسلامی، بر منافع و امنیت ملی ایران تاثیر می‌گذارد. بنابراین پژوهش در این زمینه ضرورت و اهمیت دارد که با روش توصیفی- تحلیل در این مقاله انجام می‌شود.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

پیشینه موضوع

در حوزه راهبرد مصون‌سازی در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل تاکنون پژوهشی به زبان فارسی انجام نشده و مقاله حاضر نخستین پژوهش در این ساحت است. چندین پژوهش به زبان‌های دیگر در حوزه راهبرد مصون‌سازی انجام شده که در اینجا به آنها اشاره می‌شود.

مقاله «مقدمه‌ای بر مصون‌سازی در روابط بین‌الملل[1]» اثر یورگن هاک[2] و جان سیورسیاری[3] است که در آن مفهوم مصون‌سازی در روابط بین‌الملل مورد بررسی قرار گرفته است. نویسندگان در این مقاله ضمن معرفی مفهوم مصون‌سازی و مولفه‌های آن به‌ویژه در دوران بعد از جنگ سرد را مورد ارزیابی قرار داده‌اند. از منظر نویسندگان، این راهبرد به‌ویژه در تنظیم روابط دولت‌ها با قدرت‌های بزرگ بسیار مورد توجه قرار گرفته و دولت‌ها به سمت بهره‌گیری از این راهبرد برای متنوع‌سازی و مدیریت ریسک در روابط خود در برابر قدرت‌های بزرگ هستند (Haacke & Ciorciari, 2020).

کی کوگا[4] در مقاله خود با عنوان «بازاندیشی در مفهوم مصون‌سازی: نمونه راهبرد سیاست خارجی ژاپن در تغییر قدرت در شرق آسیا[5]» به بررسی جایگاه راهبرد مصون‌سازی در سیاست خارجی ژاپن پرداخته است. کوگا معتقد است با قدرت گرفتن چین در شرق آسیا، ژاپن تلاش داشته با تنظیم روابط خود چین در حوزه‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی و توزیع ریسک، نوعی راهبرد مصون‌سازی در روابط خود در شرق آسیا در عصر ظهور چین به‌عنوان یک قدرت بزرگ در شرق آسیا را در پیش گرفته است (Koga, 2018).

چارچوب مفهومی: راهبرد مصون‌سازی

با تقویت رویکرد میان‌رشته‌ای، نوعی حرکت به سمت هم‌پیوندی بین حوزه‌های مختلف علوم انسانی آغاز شده است. در این دوره، برخی مفاهیم از یک حوزه در علوم انسانی به حوزه دیگر وارد می‌شد. این گذار در مفاهیم ورودی به حوزه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل نیز به شکل جدی وجود دارد و در کنار صدور، مفاهیم متعددی از سایر حوزه‌های مطالعاتی وارد ساحت مطالعاتی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل شده

1. Hedging in international relations: an introduction
2. Jurgen Haacke
3. John D Ciorciari
4. Kei Koga
5. The Concept of "Hedging" Revisited: The Case of Japan's Foreign Policy Strategy in East Asia's Power Shift

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

است. یکی از این مفاهیم که اخیرا مورد توجه اندیشمندان روابط بین‌الملل و سیاست خارجی قرار گرفته، راهبرد هجینگ یا مصون‌سازی[1] از حوزه مدیریت مالی به حوزه سیاست خارجی است.

مصون‌سازی به معنی خرید یک دارایی برای کاهش خطر ضرر از دارایی‌های دیگر است. مصون‌سازی در امور مالی یک استراتژی مدیریت ریسک است که با کاهش و از بین بردن ریسک عدم قطعیت‌ها سروکار دارد. این استراتژی کمک می‌کند تا ضررهایی که ممکن است به دلیل نوسانات ناشناخته قیمت سرمایه گذاری ایجاد شود، پوشش داده شود. در واقع راهبرد مصون‌سازی یک راهبرد پوشش ریسک در مقابل نوسانات بازار است و سرمایه‌گذاران از آن بهره می‌گیرند تا از سرمایه‌های خود در برابر ضرر و زیان محافظت نمایند (Kuik, 2010: 110). این راهبرد دارای شیوه‌های گوناگون است ولی هدف تمام آنها پوشش ریسک در قبال مخاطرات موجود در بازارهای مالی است.

دولت‌ها به مثابه کنشگران بازارهای مالی در عرصه بین‌المللی با مخاطرات متعددی مواجه شده و تلاش می‌کنند این خطرات را مدیریت کنند. در این راستا، می‌توان نوعی تفکیک میان دولت‌ها انجام داد. دولت‌های بزرگ برای کاهش خطرات، عمدتا به سمت موازنه‌سازی[2] حرکت می‌کنند. این موازنه‌سازی از نظر میرشایمر عمدتا از طریق احاله مسئولیت و موازنه‌گری مستقیم رخ می‌دهد. در این حالت، قدرت‌های بزرگ برای کاهش خطرات ناشی از شکل‌گیری هژمون‌های منطقه‌ای اقدام به واگذاری مسئولیت مهار این قدرت‌های منطقه‌ای از طریق واگذاری مسئولیت به دولت‌هایی است که تمایل و توان پذیرش انجام این مسئولیت را دارند (پریفتی، ۱۳۹۷: ۲۲). در سوی دیگر این طیف دولت‌های کوچک قرار دارند. این دولت‌ها برای مقابله با مخاطرات عمدتا سیاست دنباله‌روی[3] را برمی‌گزینند. در این حالت، دولت‌های کوچک و ضعیف در پی حرکت در پشت‌سر قدرت‌های بزرگ هستند تا از این طریق مخاطرات ناشی از ضعف خود را با این دنباله‌روی پوشش دهند (Mehmetick, 2015: 4).

راهبرد مصون‌سازی در میانه طیف موازنه‌سازی و دنباله‌روی در جهت پوشش ریسک خطرات فراروی دولت‌هاست. این قرارگرفتن در طیف میانه سبب می‌شود تا دولت‌هایی که در طیف میانه بین قدرت‌های بزرگ و دولت‌های کوچک قرار می‌گیرند نوعی تمایل در کاربست این راهبرد برای پوشش ریسک مخاطرات موجود در عرصه بین‌المللی داشته باشند.

1. Hedging Strategy
2. Balancing
3. Bandwagonong

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

براساس نظر اولین گه[1]، مصون‌سازی را می‌توان به‌عنوان «مجموعه ای از سیاست‌ها با هدف اجتناب (یا برنامه ریزی برای شرایطی که) در آن دولت‌ها نمی‌توانند فراتر از گزینه های مشخص‌تر نظیر موازنه‌سازی، همراه‌سازی یا بیطرفی تصمیم‌گیری کند» تعریف نمود. در عوض آنها در پی موقعیتی میانه هستند که طرفی را برگزینند که از وارد کردن یک هزینه آشکار به دیگران ممانعت کرده یا اجتناب شود (Goh, 2005: 8). در حقیقت، در مصون‌سازی، دولت تلاش دارد تا بدون برانگیختن حساسیت سایر دولت‌ها و به ویژه متحدان خود، برای کاهش ریسک ناشی از روابط با این متحدان، روابط با سایر دولت‌ها را بهبود می‌بخشد.

چنگ-چوی کویک[2] محقق برجسته دیگر در حوزه مصون‌سازی، علیرغم اشاره به نقش مهم موازنه و همراه‌سازی به عنوان به سر طیف راهبردهای اتخاذی توسط دولت‌ها، معتقد است این دو راهبرد تنها گزینه‌های پیش روی دولت‌ها نیست. او معتقد است ممکن است در حالات خاص نظیر زمان جنگ‌ها، منازعات، بحران‌های داخلی تهدیدات فوری و ... همراه-سازی و موازنه‌سازی گزینه‌های محتمل‌تری هستند اما در شرایط «معمولی» و در زمان صلح چندان کاربردی نیستند. او تاکید دارد که در این شرایط نیاز به رویکردی ترکیبی از موازنه‌سازی و همراه‌سازی است و در این راستا راهبرد مصون‌سازی گزینه‌های خوبی در اختیار قرار می‌دهد (Kuik, 2010: 110). از نظر وی زمانی‌که رفتار سایر دولت‌ها در هاله‌ای از عدم قطعیت قرار می‌گیرند، یک دولت برای کاستن از خطرات احتمالی، در پی گزینه‌های چندگانه و متعدد دیگر حرکت می‌کند و تلاش دارد تا از منافع بلندمدت خود در محیط متغیر بین‌المللی حفاظت نماید. در این حالت سعی می‌کند فاصله خود با آن دولت را حفظ کند که این رعایت فاصله می‌تواند از طریق نزدیک شدن به سایر دولت‌ها باشد. اگر دولت مزبور یکی از قدرت‌های بزرگ باشد، در این حالت این مصون‌سازی می‌تواند توسط نزدیکی به سایر قدرت‌های بزرگ در عین حفظ سطح روابط با قدرت بزرگ مزبور باشد (Kuik, 2010: 125).

لی هانگ هیپ مصون‌سازی را به‌عنوان یک راهبردی تعریف می‌کند که به دولت‌ها اجازه می‌دهد تا

1. Evelyn Goh
2. Cheng-Chwee Kuik

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

عدم‌قطعیت‌ها و تردیدهای خود در سیاست خارجی در قبال آینده سایر دولت‌ها است که بر اساس آن به «مجموعه‌ای از ابزارهای سیاستگذارانه» متکی می‌شوند که به آنها از یک سو کمک می‌کند تا همکاری دوجانبه را ارتقا بخشند و از سوی دیگر شامل عناصری از رقابت می‌شود که هدف آن تقویت کشور در مقابل تهدیدات امنیتی احتمالی دولت دیگر و دولت‌های شریک در آینده است (Hiep, 2013: 337). هیپ اشاره دارد اهمیت ابزارهای خاص به ادراک امنیتی خاص هر کشور نسبت و هر شریک خود بستگی دارد که با توجه به آن این راهبرد را اجرایی می‌نماید. بنابراین، چنین تعددی در گزینه‌ها به آسانی آن را از پوستگی موازنه‌سازی-همراه‌سازی فراتر برده و تا حد زیادی به پویایی‌های موجود بین روابط دوجانبه و شرایط محیط بین‌المللی مرتبط می‌سازد.

هیپ معتقد است مصون سازی دارای عناصر زیر است یعنی یک دولت تلاش دارد در قبال سایر دولت‌ها این اقدامات را همزمان انجام دهد:

- **عمل‌گرایی اقتصادی:** افزایش سطح همکاری اقتصادی با هدف تسهیل توسعه داخلی. در این حالت، دولت برای کاهش مخاطرات موجود در روابط با برخی متحدان، اقدام به متنوع‌سازی می‌کند. این متنوع‌سازی هم در مورد تلاش برای کاهش اتکای کامل به متحدان است و هم از طریق گسترش همکاری‌های اقتصادی و تجاری با سایر بلوک‌های تجاری در عرصه بین‌المللی است.

- **گسترش روابط:** گسترش سازوکارهای دوجانبه متفاوت به منظور ایجاد اعتماد متقابل و تشویق همکاری. در این حالت، تلاش می‌شود تا حوزه‌های همکاری از حوزه‌های صرفا اقتصادی فاصله بگیرد و سایر ساحت‌ها نیز مدنظر قرار می-گیرند. این گسترش همکاری باید با کمترین ایجاد هزینه و تغییر قطبیت‌ها رخ دهد.

- **موازنه سخت:** توسعه نوسازی نظامی برای منصرف کردن دولت‌ها از تهاجم نظامی به آن کشور صورت می‌گیرد. دولت در زمان بهبود و متنوع‌سازی، اقدام به ایجاد موازنه سخت می‌کند. با حرکت به سمت مصون‌سازی، مولفه‌های موجود در فضای آنارشیک تغییر نکرده و بقا کماکان هدف نخست است. از این منظر، بخشی از این مصون‌سازی حرکت برای تقویت بنیه و نوسازی نظامی از طریق متحدان و حتی دولت‌های غیر متحد است.

- **موازنه نرم:** مشارکت در نهادهای چندجانبه و توسعه روابط با سایر دولت‌ها در دستورکار قرار می‌گیرد. در حقیقت تلاش برای متنوع‌سازی روابط با سایر کنشگران بین‌المللی تا بتوان به شکل غیرسخت سایر دولت‌ها را موازنه نمود. این موازنه نرم زمانی به مولفه پررنگ‌تری در راهبرد مصون‌سازی تبدیل

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

می‌شود که دولت رقیب قدرتمندی در منطقه دارد یا از نظر جغرافیایی در مجاورت یک قدرت بزرگ قرار دارد. از این منظر بخشی از مصون‌سازی به موازنه کردن نرم آن دولت بازمی‌گردد (Hiep, 2013: 344).

بنابراین، مصون‌سازی به‌عنوان یک راهبرد تلاش برای بهتر شدن و آماده شدن برای شرایط نامساعد است. رهیافتی است که تمرکز آن بر بازگشت حداکثری بدون آماده شدن بر هم زدن ساختار کنونی است. در حقیقت، در این راهبرد تلاش است تا با نوعی متنوع‌سازی میزان مصونیت دولت در مقابل تغییرات در مناسبات بین‌المللی و همچنین تغییرات درونی در کشورهای مختلف افزایش یابد. این راهبرد، برای نخستین بار در مورد روابط برخی کشورهای جنوب شرق آسیا در تنظیم روابط با چین به کار گرفته شد و به نظر می‌رسد با توجه به تحولات منطقه‌ای و سیاست‌های اتخاذی در عربستان سعودی، توان تحلیلی مناسبی در ارزیابی راهبرد کنونی این کشور داشته باشد.

پیشران‌های راهبرد مصون‌سازی عربستان

عربستان سعودی در دوران جنگ سرد در زمره متحدان ایالات متحده قرار داشت و در کنار ایران از اجزای اصلی پیشبرد سیاست خارجی ایالات متحده در خلیج‌فارس بود. این هم‌پیوندی در دوران پس از جنگ سرد ادامه یافت و با حمایت ایالات متحده جدی از عربستان در زمان حمله عراق به عربستان در سال ۱۹۹۱ تقویت گردید. با این‌وجود از اوایل دهه ۲۰۰۰ تحت تاثیر عوامل مختلف شاهد تغییراتی در راهبرد عربستان هستیم. عوامل مختلفی بر سیاستگذاری خارجی عربستان در تعقیب راهبرد مصون‌سازی تاثیرگذار بوده که برخی از مهمترین آنها عبارتند از:

۱-دگردیسی ساختار نظام بین‌الملل و پیدایش قطب‌های جدید قدرت: اگرچه آمریکا تلاش می‌کرد نظم پساجنگ سرد را در قابل نظام تک قطبی شکل دهد اما با متکثرتر شدن توزیع قدرت در نظام بین‌المللی، بلوک‌های جدید قدرت در جهان ظاهر شده‌اند. ساختار نوع روابط به سمت آنچه آچاریا آن را «جهان چندمنظری» می‌خواند در حال حرکت است (آچاریا، ۱۳۹۹: ۱۲). و این روند توسط مقامات سعودی مورد ادارک قرار گرفته است. از این منظر، عربستان برای کاهش خطرات ناشی از تغییرات کلان در سطح نظام بین‌المللی باید روابط متکثرتر و متنوع‌تری داشته باشد. این متنوع‌سازی می‌تواند خطرات اتکای یکجانبه به غرب را کاهش دهد و در صورت تغییر ساخت قدرت در عرصه بین‌المللی گزینه‌های بیشتری را در اختیار سیاستگذاران خارجی عربستان قرار می‌دهد (Riedel, 2020: 3). ظهور بلوک‌های جدیدی نظیر بریکس و پررنگ شدن نقش آسیا در تحولات بین‌المللی از عوامل اصلی تقویت این ادراک است.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

۲- افزایش توجه آمریکا به شرق: تقویت جایگاه چین در عرصه اقتصادی و سیاسی سبب شده تا توجه آمریکا به سمت شرق آسیا معطوف گردد. این نگاه موجبات نگرانی عربستان را فراهم کرده زیرا از نظر بسیاری از کارشناسان می‌تواند سبب کاهش توجه ایالات متحده به خلیج‌فارس شود. از این‌رو، راهبرد مصون‌سازی اقتضا می‌کند برای کاهش آثار منفی خروج آمریکا از خلیج فارس یا حداقل کاهش حضور در این منطقه آمادگی لازم را داشته باشد.

افزایش توجه آمریکا به شرق با تغییر راهبرد آمریکا در قبال خاورمیانه مصادف بوده است. این جابجایی راهبردی از دوره اوباما شروع شد و پس از وی نیز به شیوه‌های گوناگون پیگیری شده است. سیاست خارجي اوباما دو ضلع جدید داشت: يكي توجه به منطقه آسياي شرقي و ديگر رهبري از پشت صحنه[1] ضلع دوم سیاست خارجي آمريكا عربستان را بسیار نگران کرد، زیرا براساس آن آمريكايي‌ها ديگر تصميم نداشتند در رخدادهاي خاورميانه مستقيما وارد شوند و اين به معني عدم‌ورود آنها به بحران‌هاي احتمالي آينده در منطقه به نفع عربستان بود. شرايط زماني براي سعودي‌ها نگران كننده‌تر شد كه ضلع سومي به سياست خارجي اوباما اضافه شد و آن مذاكره با ايران بود. او بسیاری از مفروضات امریکا را از جمله نامیدن عربستان به عنوان متحد را زیر سؤال برد (سریع القلم، ۱۳۹۵: ۱۰۹).

یکی از نقاط مهم در دکترین اوباما، بر اجتناب از به کارگیری زور مگر در مواقعی که آمریکا مستقیما تهدید شده، مبتنی بود. از نظر دولتمردان سعودی، سیاست خارجی آمریکا در دوره اوباما بر این نکته مبتنی است که نقش آمریکا در منطقه از یک پلیس شناخته شده تغییرکرده بنابراین عربستان باید سیاستی تهاجمی‌تر اتخاذ کرده و از به کارگیری زور در صورت لزوم، ابایی نداشته باشد. از سوی دیگر سیاست‌های حقوق‌بشری دولت ایالات متحده و اروپا همواره چالشی برای مقامات سعودی بوده که نمونه آن را می‌توان در مورد ایجاد تعارضات شدید با عربستان بر سر مرگ جمال خاشقچی مشاهده نمود.

۳-کاهش وابستگی آمریکا به نفت خلیج‌فارس: يكي از دلايل بسيار مهم راهبرد مصون سازي در سياست خارجي عربستان، تغييرات بنيادين در توليد و صادرات منابع انرژي فسيلي در دنياست. انقلاب شيل در ايالات متحده و افزايش قابل‌توجه توليد نفت، اين كشور را از زمره واردكنندگان بزرگ نفت جهان خارج ساخت. يكي از دلايل اهميت عربستان براي آمريكايي‌ها از زمان جنگ سرد نفت بود اما طي سال‌هاي اخير و با توجه به اينكه اين نقش در حال كاهش است به گونه‌اي كه در سال ۲۰۱۹ ميزان صادرات نفت آرامكو به آسيا ۷۳ درصد بود و غول نفتي عربستان فقط ۸ درصد به آمريكاي شمالي و

1. Leading from behind

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

۱۱ درصد نفت خود به اروپا صادر کرد (Thompsonand & Quilliam, 2022: 276). از این منظر، این ادراک وجود دارد که با کاهش اهمیت نفت عربستان برای غرب، رویکرد غرب به عربستان می‌تواند دچار تغییراتی شود. همچنین باید توجه داشت با تبدیل ایالات متحده به یکی از بزرگترین تولیدکنندگان نفت جهان، اساسا نوعی رقابت بین ایالات متحده و عربستان ایجاد شده است.

عناصر راهبرد مصون‌سازی عربستان سعودی

کاربست مصون‌سازی مستلزم توجه به عناصر تشکیل‌دهنده این راهبرد است. از نظر هیپ، این عناصر چهارگانه باید به شکل توامان توسط دولتی که راهبرد مصون‌سازی را به کار می‌گیرد، استفاده شوند. برای تبیین گذار عربستان به بهره‌گیری از راهبرد مصون‌سازی این عناصر را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱- عمل‌گرایی اقتصادی

اقتصاد عربستان با درآمدهای کلان نفتی آن پیوند خورده است. عربستان با دارا بودن ۲۶۶ میلیارد بشکه ذخایر اثبات شده نفت دومین دارنده ذخایر و روزانه بیش از ۱۰/۵ میلیون بشکه نفت در روز تولید می‌نماید. درآمدهای نفتی مهمترین مولفه اقتصاد سیاسی عربستان در دوران معاصر است که تقریبا تمامی تحولات سیاست داخلی و سیاست خارجی یک قرن اخیر این کشور با آن پیوندی ناگسستنی داشته است (Thompsonand & Quilliam, 2022: 77).

درآمدهای نفتی منبع اصلی تامین مالی دولت سعودی طی این دوران بوده با این وجود عدم ثبات در قیمت نفت به‌ویژه پس از بحران مالی ۲۰۰۸،آسیب جدی به تامین مالی دولت سعودی ایجاد نمود. از این منظر، یکی از مهم‌ترین مولفه‌های سند توسعه ۲۰۳۰ عربستان گذار از این اقتصاد نفتی و متنوع‌سازی بیشتر اقتصادی درآمدهای کشور بوده است. براساس این سند مشوق‌های جدی برای متنوع‌سازی اقتصاد عربستان ارائه می‌شود تا سهم درآمدهای غیرنفتی در سبد درآمدی عربستان افزایش یابد.

در این راستا، عربستان سعودی مشتاق دستیابی به اهداف استراتژیک اصلی با تشویق سیستم صادرات ازطریق برنامه‌ها و نوآوری‌های خود است، از همین‌روی این کشور درجهت بهبود کارآیی محیط صادرات و خدمات حمایتی از آن فعالیت می‌کند و دائما در تلاش است تا دانش شیوه‌های صادراتی را افزایش و مهارت‌های انسانی در این زمینه را توسعه دهد. از این‌رو مقامات سعودی برنامه «ساخت عربستان» را از مارس ۲۰۱۷ را با هدف افزایش مصرف داخلی و سهم بازار از کالاها و خدمات محلی، افزایش

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

صادرات غیرنفتی عربستان در بازارهای صادراتی اولویت‌دار و کمک به افزایش جذابیت بخش صنعتی برای سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی سعودی را آغاز کردند (Abdulwahab, 2021: 3).

در راهبرد اعلامی بن‌سلمان با عنوان «استراتژی سرمایه‌گذاری ملی» که در چارچوب سند ۲۰۳۰ اعلام شده، جریان سالانه جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به ۸۹.۵ میلیارد یورو و میزان سرمایه‌گذاری داخلی نیز به ۳۹۲ میلیارد یورو در سال افزایش یابد. براساس این راهبرد برآورد می‌شود که تا سال ۲۰۳۰ حدود دو هزار و ۷۶۸ میلیارد یورو به اقتصاد این کشور تزریق شود که همزمان با اجرای استراتژی سرمایه‌گذاری موجب افزایش نسبت صادرات غیرنفتی به تولید ناخالص داخلی غیرنفتی از ۱۶ به ۵۰ درصد و کاهش نرخ بیکاری به ۷ درصد خواهد شد. براین اساس، عربستان سعودی تا سال ۲۰۳۰ در ردیف ده کشور برتر در شاخص رقابت‌پذیری جهانی قرار می‌گیرد (Sarwar & Etal, 2021: 3).

این برنامه‌ها و اقدامات بیانگر تلاش عربستان برای متنوع‌سازی اقتصاد خود است. این متنوع‌سازی اقتصادی بخش مهمی از راهبرد مصون‌سازی عربستان سعودی است گرچه باید توجه داشت که به دلیل عمق بالای وابستگی به درآمدهای نفتی، نمی‌توان در کوتاه‌مدت انتظار داشت نقش این درآمدها در اقتصاد عربستان به شکل قابل‌توجهی کاهش یابد.

۲- گسترش روابط عربستان با قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای

یکی از عناصر مهم مصون‌سازی گسترش روابط با دولت‌های دیگر بدون تلاش برای تغییر قطبیت در نظام بین‌الملل است. در حقیقت، در این وضعیت دولت تلاش دارد برای جلوگیری از آثار منفی وجود اتکای روابط با یک دولت، اقدام به گسترش روابط با سایر دولت‌ها می‌کند. از این منظر، عربستان سعودی بدون تلاش برای تغییر قطبیت موجود در عرصه بین‌المللی، در پی بسط روابط خود با سایر دولت‌ها به‌ویژه سایر قدرت‌های بزرگ است. عربستان در دو دهه اخیر، در این راستا اهتمام خاصی در بسط روابط خود با دولت‌های مختلف در مناطق مختلف داشته است. هدف اصلی از این متنوع-سازی در روابط ایجاد تعادل بیشتر در جهت‌گیری سیاست خارجی عربستان بوده است. بخشی از این روابط معطوف به دولت‌هایی است که به خاطر ساختار بلوک‌بندی موجود در زمان جنگ سرد روابط سطح بالایی با آنها نداشت. عربستان چندین دهه، راهبرد دنباله‌روی را در سیاست خارجی تعقیب می‌کرد و یکی از کشورهای اصلی متحد آمریکا بود. عربستان از سال ۱۹۳۳ روابط نزدیکی با آمریکا داشته و روابط آنها پس از جنگ جهانی دوم، راهبردی شد. نفوذ گسترده عربستان در بین کشورهای اسلامی از یک طرف و

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

ذخایر غنی نفتی آن سبب می‌شد این کشور جایگاه مهمی برای آمریکا داشته باشد. آمریکا در دوره جنگ سرد، عربستان را به عنوان محور جهان اسلام پذیرفت تا جوانان را از گرایش به سمت چپ‌گرایی دور نگهدارد. اسلام نظام ارزشی مناسبی برای مقابله با کمونیسم بود (Al-rasheed, 2021: 152). دولت هری ترومن همچنین به پادشاه سعودی وعده داد از آن کشور در برابر نفوذ شوروی محافظت خواهد کرد؛ بنابراین، ایالات متحده حضور خود را در منطقه افزایش داد تا از منافع خود و متحدانش محافظت کند و این مسئله عملا عربستان را در زیر چتر ایالات متحده قرار می‌داد (Pollack, 2002: 88).

پیروزی انقلاب اسلامی و خروج ایران از دایره اتحاد ایالات متحده سبب شد، عربستان به نقطه ثقل حضور آمریکا در منطقه تبدیل شود. از سوی دیگر، عربستان علاوه بر خطر فزاینده کمونیسم با چالش‌های مهم دیگری یعنی ادعای رهبری جهان عرب توسط صدام و به‌ویژه گسترش ابعاد انقلاب اسلامی مواجه شده بود و این مسئله لزوم قرار گرفتن هرچه بیشتر زیر لوای حمایتی ایالات متحده را دوچندان می‌ساخت. آمریکا براساس دکترین کارتر در دهه ۱۹۸۰، متعهد شده بود براي دفاع از منافع خود و متحدینش در خلیج فارس از قدرت استفاده خواهد کرد. براین اساس بود که سالانه بطور میانگین بین ۵۰ تا ۱۰۰ میلیارد دلار در این منطقه هزینه نظامي مي‌کرد (Thompsonand & Quilliam, 2022: 75). حمله عراق به کویت در اگوست ۱۹۹۰ سبب تقویت حضور ایالات متحده در خلیج‌فارس شد و با درخواست ملک فهد، آمریکا ضمن اعلام حمایت قاطع از عربستان سعودی، بیش از ۵۰۰ هزار نیروی خود را روانه عربستان سعودی نمود تا از این کشور در مقابل صدام حفاظت نماید. این حمایت قاطع از عربستان در زمان هجوم عراق، سبب تعمیق سیاست دنباله‌روی عربستان در ساخت سیاست خارجی خود از ایالات متحده گردید (Ottaway & Kaiser, 2002: 12).

روابط آمریکا با عربستان در خلال بهار عرب و رویکرد اوباما به کاهش حضور نظامی آمریکا در خاورمیانه تضعیف شد. سعودی‌ها سیاست خارجی امریکا پس از تحولات ۲۰۱۱ بویژه در زمینه تعلل در حمایت از حسنی مبارک به عنوان متحد راهبردی خود را نشانه خوبی در روابط خود با آمریکا تعبیر نکردند. آنها همچنین سیاست اوباما در قبال برنامه هسته‌ای ایران را نوعی عقب‌نشینی به نقش‌آفرینی ایران تعبیر کرده و از سیاست خاورمیانه آمریکا به‌ویژه در سوریه و به رسمیت نشناختن تهدیدات بحرین و نیز انجام ندادن اقدامات نظامی در سوریه به نفع معارضه را نشانه‌های رهاسازی خاورمیانه تفسیر می‌کردند.

روابط دو کشور با به قدرت رسیدن دونالد ترامپ که با پادشاهی ملک سلمان و تاثیرگذاری محمد بن سلمان در نظام تصمیم‌گیری عربستان مصادف شد، مجددا احیا شد. اولین سفر خاورمیانه‌ای ترامپ به

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

ریاض به فسیتوالی تبدیل شد که در آن سران چندین کشور عربی شرکت کرده بودند و قراردادهای نظامی و اقتصادی به ارزش بیش از ۴۰۰ میلیارد دلار بین دو کشور منعقد شد. اما ترامپ هم در لحظه حساس حمله پهپادی به آرامکو در سال ۲۰۱۹ عربستان را رها کرد. ماجرای کشتن جمال خاشقچی در کنسولگری عربستان در استانبول دستمایه‌ای برای رئیس‌جمهور دمکرات آمریکا شد به گونه‌ای که بایدن از ملاقات و حتی تماس تلفنی با محمد سلمان خودداری کرد و ۱۸ ماه بعد از آغاز ریاست جمهوری خود سفری نمادین به جده داشت. محمد بن سلمان در ماجرای حمله روسیه به اوکراین، حاضر نشد به تماس تلفنی بایدن برای عرضه بیشتر نفت به بازار ملتهب دنیا پاسخ دهد.

روابط ریاض با واشنگتن همچنان مستحکم است اما دیگر انحصاری نیست. هرچند خاورمیانه پساآمریکا به معنای خاورمیانه بدون آمریکا نیست اما آمریکا دیگر تنها کنشگر جهانی فعال در خاورمیانه نیست بلکه قدرت‌های منطقه‌ای و در حال ایجاد توازن در روابط خود با امریکا؛ چین و روسیه؛ و قدرت‌های منطقه‌ای کنشگری خود در حوزه نظامی و دیپلماسی را افزایش می‌دهند (Kaya, 2022: 9). در این راستا عربستان در راهبرد مصون‌سازی، روابط خودر را با دیگر قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای گسترش می‌دهد.

روسیه: در میان قدرت‌های بزرگ که عربستان سعودی روابط خود را با آن تعدیل نموده روسیه جایگته مهمی دارد. در رویکرد جدید عربستان، روسیه جایگاه ویژه‌ای دارد. از یکطرف به مثابه ابزاری برای امتیازگیری از آمریکا بدل می‌شود و از طرف دیگر، وسیله‌ای برای ایجاد موازنه منطقه‌ای از طریق مهار جمهوری اسلامی ایران. عربستان می‌کوشد با توجه به کاهش اهمیت متغیر نفت در روابط با آمریکا، از مزیت نسبی آن در روابط خود با روسیه بهره‌مند شود. تلاش‌های مشترک عربستان و روسیه که از سال ۲۰۱۶ آغاز شده بود سرانجام در سال ۲۰۱۹ به ایجاد اوپک پلاس[1] متشکل از اعضای اوپک و ۱۱ تولیدکننده غیراوپک از جمله روسیه منجر شد. روسیه و عربستان در اوپک پلاس منافع مشترکی دارند و این رابطه می‌تواند در معادلات جهانی تاثیرگذار باشد. برغم تلاش های فراوان آمریکا برای عرضه نفت بیشتر از سوی عربستان جهت جایگزینی نفت روسیه در بازار جهانی انرژی حمله روسیه به اوکراین، عربستان همکاری چندانی با ایالات متحده نکرد. همچنین گرچه عربستان خواهان پایان دادن به بحران اوکراین شده اما حمله روسیه به اوکراین را محکوم نساخته است (Freiden, 2022: 2).

عربستان برای گسترش روابط با روسیه، مواضع خود را در قبال چچن تغییر داد و آن را مساله داخلی

1. OPEC+

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

برای روسیه قلمداد کرده است. تلاش‌ها و اقدام مشترکی بین دو کشور برای مبارزه با تروریسم انجام شده و با تلاش عربستان، روسیه به عضویت ناظر در سازمان کنفرانس اسلامی درآمد. پس از زمینه‌سازی‌های مذکور، پوتین در فوریه ۲۰۰۷ به‌عنوان اولین روسیه و حتی شوروی به عربستان سفر کرد. ممنوعیت فروش برخی تسلیحات نظامی آمریکا به عربستان و نیز عدم تمایل بایدن برای گفتگو با محمد بن سلمان بر تمایل عربستان برای گسترش روابط با روسیه افزود. محمد بن سلمان ژوئن ۲۰۱۵ به سن‌پترزبورگ سفر کرد. در خلال این سفر صندوق سرمایه‌گذاری مستقیم روسیه[1] و صندوق سرمایه‌گذاری بهداشت عمومی عربستان[2] برای سرمایه‌گذاری ۱۰ میلیارد دلاری عربستان در روسیه تفاهمنامه امضا کردند. پس از ملاقات‌های مختلف محمد بن سلمان با پوتین، وزاری انرژی دو کشور از ماه می ۲۰۱۶ دیدارهای مختلفی با یکدیگر داشتند که در نهایت به تشکیل اوپک پلاس منتهی شد که در خلال دیدار پوتین از ریاض در اکتبر ۲۰۱۹ محقق شد (Parker & Lynch, 2021: 10-12). عربستان در قراردادهای مختلفی، میلیاردها دلار برای مشارکت روسیه در بخش‌های مختلف صنعتی، کشاورزی، پتروشیمی و گردشگری برخی قراردادهای ۲۵ ساله با روسیه به امضا رسانده است. روسیه حتی در زمینه هسته‌ای نیز با عربستان همکاری می‌کند به گونه‌ای که در سال ۲۰۱۵ شش توافقنامه با این کشور برای ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای غیرنظامی امضا کرد. عربستان برنامه ساخت ۱۶ نیروگاه هسته ای با روسیه را در دستور کار خود دارد (Arafat, 2020: 68).

چین: قدرت رو به گسترش چین در دنیا، در راهبرد مصون‌سازی عربستان نادیده گرفته نشده است. البته در این زمینه سیاست‌های چین نیز با راهبرد عربستان تلاقی داشته و آن را تقویت کرده است. راهبرد یک کمربند یک جهان چین با راهبرد نگاه به شرق عربستان تلاقی پیدا کرده است (Zhiqiang & Zhao 2022:) چین برخلاف آمریکا که سیاست کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی را تعقیب می‌کند، تا چند دهه آینده بشدت به منابع فسیلی وابسته است. چین نیز در راستای سیاست متنوع‌سازی انرژی خود، روابط گسترده‌ای با همه بازیکران خاورمیانه طی یک دهه اخیر ایجاد کرده و تقریبا تمام توافقات راهبردی چین با کشورهای منطقه طی یک دهه اخیر امضا شده است. دیپلمات‌های چینی توانسته‌اند ماهرانه از اختلافات منطقه‌ای استفاده کنند؛ عربستان بزرگترین تامین‌کننده نفت خام چین و در همان حال چین به بزرگترین خریدار نفت ایران تبدیل شده است

عربستان در حوزه‌های مختلف نظامی و اقتصادی با چین روابط خود را گسترش داده است.

1. The Russian Direct Investment Fund (RDIF(
2. Tthe Saudi sovereign wealth Public Investment Fund (PIF)

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

سعودی‌ها نمی‌خواهند چین جای آمریکا را در منطقه بگیرد بلکه می‌خواهند از نفوذ اقتصادی چین برای فشار بر آمریکا استفاده کنند. روابط چین و عربستان به سال ۱۹۳۹ باز می‌گردد که در آن سال عربستان به‌عنوان نخستین کشور عرب، روابط خود را با چین عادی کرد. با پیمان دوستی که دو طرف در سال ۱۹۴۶ در جده امضا کردند؛ روابط آنها گرمتر شد اما با به قدرت رسیدن حزب کمونیست در سال ۱۹۴۹ روابط آنها قطع شد. این روابط دوباره در جولای ۱۹۹۰ از سرگرفته شد. با سفر ملک عبدالله در سال‌های ۱۹۹۸ و ۲۰۰۶، روابط عربستان با چین گرم شد (Al-tamimi, 2012: 4) جیانگ زمین در سال ۱۹۹۹ اولین رهبر چین بود که به ریاض سفر کرد.

پس از سفر شی جین پینگ رئیس‌جمهور چین به عربستان در سال ۲۰۱۶ طرفین کمیته مشترکی برای مدیریت همکاری-های خود امضا کردند که معاون نخست‌وزیر چین و معاون ولیعهد عربستان (که در انزمان محمد بن سلمان بود) در راس آن قرار داشتند. این کمیته جلساتی منظم برگزار کرد و با سفر بن سلمان به چین در اوت ۲۰۱۶ همکاری عربستان و چین گسترده‌تر شد و پانزده توافق‌نامه و تفاهم‌نامه به امضا رسید که شامل انرژی، معدن، توسعه مسکن، همکاری فرهنگی و همکاری‌های علمی و فناوری بود. پس از سفر پادشاه سلمان بن عبدالعزیز در مارس سال ۲۰۱۷، بیست و یک توافق از جلسه سال گذشته نهایی شد که رقم مالی آن حدود ۶۵ میلیارد دلار تخمین زده می‌شد. دومین جلسه کمیته مشترک سطح بالا در آگوست ۲۰۱۷ در ریاض برگزار شد و توافقاتی ۷۰ میلیارد دلاری دیگر همراه با تفاهم‌نامه برای یک صندوق سرمایه‌گذاری مشترک ۲۰ میلیارد دلاری در دستورکار قرار گرفت (Houghton, ۲۰۲۲: ۱۳). عربستان برای تثبیت روابط خود، توافق بلندمدت با چین امضا کرده است. یک از مهمترین علایق چین در گسترش روابط با چین، رویکرد دو دولت در حوزه مسائل حقوق‌بشری و نظام حکومتداری است. دو دولت از نظر سیاسی شباهت‌های بسیاری به عربستان دارند و درباره حوزه‌هایی نظیر حقوق‌بشر و شیوه حکمرانی اشتراکات زیادی دارند. محمد بن سلمان وقتی در سال ۲۰۱۹ به پکن سفر کرد که بشدت غرب وی را به دلیل ماجرای قتل خاشقچی در انزوای دیپلماتیک قرار داده بود.

چین از سال ۲۰۲۰ جایگزین اتحادیه اروپا به‌عنوان بزرگترین شریک تجاری شورای همکاری خلیج فارس شده است. همچنین از سال ۲۰۱۶ به بزرگترین منبع سرمایه گذاری خارجی تبدیل شده و شرکت هوواوی چین در حال ساخت شبکه های 5G در چندین کشور در خاورمیانه (از جمله بحرین، مصر، کویت، عربستان سعودی و امارات)، است که شرکای نزدیک آمریکا محسوب می شوند. چین برخلاف آمریکا با همه بازیگران منطقه مانند ایران، عربستان، اسرائیل و عراق روابط گسترده اقتصادی،

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

سیاسی و نظامی دارد. شرکت‌های ساخت‌وساز چینی ساخت زیرساخت‌ها در عربستان سعودی از جمله خط ریلی مترو «اژدهای سبز» در مکه را آغاز کرده اند. عربستان روابط نظامی خود با چین از جمله خرید موشک‌های بالستیک و سایر فناوری‌های نظامی را افزایش داده است (Kaya, 2022: 11).

ترکیه: یکی دیگر از تحولات قابل توجه در روابط منطقه‌ای عربستان، گسترش روابط با ترکیه است. بعد از تحولات جهان عرب در سال ۲۰۱۱، ترکیه به دنبال الگوسازی در منطقه بود و با حمایت از حاکمان اخوانی مصر و همسویی با قدرت در منطقه قدرت‌افکنی سیاسی می‌کرد. همین موضوع باعث ایجاد اختلاف آنکارا و ریاض شد. با کودتای ژنرال السیسی و حمایت ریاض از آن، اختلافات شدیدتر شد. به‌علاوه حمایت قاطعانه ترکیه از قطر در سال ۲۰۱۷ و ایجاد پایگاه نظامی و پل هوایی با قطر پس از آنکه توسط عربستان و متحدین محاصره شد، اختلافات را شدید و ترور خاشخقچی روابط را به مرز بحران رساند. عربستان بطور غیررسمی در سال ۲۰۲۰ کالاهای ساخت ترکیه را تحریم کرد و سطح تنش بین دو کشور افزایش یافت. اما عربستان در راستای راهبرد مصون‌سازی، روابط خود را با ترکیه نیز ترمیم کرد.

اگرچه ترکیه نیز به دلیل انزوای دیپلماتیک و کاهش شدید ارزش لیر آن بشدت نیازمند گسترش روابط با عربستان بود. سفر متقابل اردوغان و محمد بن سلمان به ریاض و آنکارا باعث شد تنش‌های یک دهه‌ای بین دو کشور فروکش کند. نتیجه این راهبرد این است که کالاهای ترکیه بدون مانع وارد این عربستان می‌شوند، ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری جدید عربستان در ترکیه تقویت خواهد شد و ریاض می‌تواند به جمع سایر دولت‌های خلیج فارس در مبادلات ارزی با آنکارا بپیوندد. همچنین انتقال پرونده خاشقچی از ترکیه به عربستان، بهای پذیرش درخواست اردوغان برای عادی‌سازی روابط بین دو کشور بود. با انتقال پرونده به عربستان، پرونده خاشچقی بسته خواهد شد.

اسرائیل: عربستان که از نظر امنیتی اعتماد گذشته را به آمریکا ندارد، اسرائیل را به دلیل پایداری در خصومت با ایران، شریک مطمئن‌تری می‌بیند. همچنین عربستان با استفاده از دیپلماسی شخصی برخی مقامات سابق خود و نیز متنفذین آمریکایی می کوشد روابط خود را با اسرائیل تقویت و از پرداختن هزینه‌های هویتی برای خود جلوگیری کند. به‌علاوه عربستان به نقش لابی با نفوذ یهودی در آمریکا آگاه بوده و حتی با همیاری آنها، لابی جدید سعودی- اسرائیل- یهودی (ساپراک) ایجاد شده است

عربستان به‌دلیل حساسیتی‌هایی که از منظر هویتی در قبال مساله فلسطین دارد، برخلاف کشورهای کوچکی چون امارات و بحرین، از به رسمیت شناختن اسرائیل خودداری کرده اما در عمل روابط گسترده

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

امنیتی و اقتصادی با آن دارد و در این زمینه نیز راهبرد مصون‌سازی را اعمال می‌کند. عربستان به‌رغم نداشتن رابطه رسمی، برای نخستین بار آشکارا در اسرائیل سرمایه‌گذاری می‌کند. حداقل دو میلیارد دلار به بنیاد مالی جرد کوشنر به نام «افینیتی پارتنرز[1]» انتقال خواهد یافت که بخشی از آن برای سرمایه‌گذاری در بخش فناوری‌های نوین اسرائیل است. بنیاد کوشنر در مجموع تاکنون سه میلیارد دلار گردآوری کرده و دو شرکت اسرائیلی را برای سرمایه‌گذاری پول سعودی بر روی آن‌ها انتخاب کرده است. کوشنر به عربستان گفته است که اسرائیل سرزمین فن‌آوری‌های پیشرفته و مشابه «سیلیکون ولی» در خاورمیانه است و عدم سرمایه‌گذاری سعودی در آن، پشت کردن به یک فرصت طلایی خواهد بود (Nissenbaum & Jones, 2022: 4).

۳- موازنه سخت

بخش مهمی از راهبرد مصون‌سازی، موازنه سخت است. این عنصر که مصون‌سازی را به بعد موازنه‌سازی نزدیک می‌کند، نشان می‌دهد بقا، هدف غایی است و دولتی که راهبرد مصون‌سازی را برگزیده، در فضای آنارشیک به اهمیت بقا واقف است. بخش مهمی از این مصون‌سازی معطوف به موازنه سخت است که از طریق تقویت بنیه و نوسازی نظامی از طریق متحدان و حتی دولت‌های غیرمتحد صورت می‌پذیرد. یکی از ویژگی‌های عربستان، واسپاری تامین امنیت نظامی خود به نیروهای خارجی بود. از زمان ملاقات روزولت با ملک عبدالعزیز، این کشور برای امنیت خود به آمریکا تکیه داشت. عربستان بر خلاف بسیاری از قدرت‌های منطقه خاورمیانه، از داشتن ارتش منظم و مدرن محروم بود، و به تعبیر مورخ نظامی خاورمیانه «تا کسی ارتش سعودی را ندیده باشد، و نداند که تا چه حد از نظر تجهیزات عقب مانده، آموزش ندیده و فاقد سازمان است، به اهمیت کار واقف نمی شود، و برای دفاع از مرزهای خویش در برابر تجاوز خارجی عملا دست برداشته بود و وظیفه یک چنین دفاع ملی اساسا بر دوش امریکایی‌ها نهاده بود» (کرونین، ۱۳۹۴: ۲۵۴- ۲۷۱) ارتش عربستان در دوره دکترین دوستونی نیکسون تنها ۳۰ هزار نیروی امنیت داخلی داشت اما ایران با داشتن ۱۵۰ هزار نظامی زبده، ستون نظامی دکترین مذکور را تشکیل می‌داد (Al-saud, 2003: 66).

عربستان در سال‌های اخیر با شوک های سیاسی- نظامی مواجه شد که بازاندیشی آن در حوزه تقویت قدرت سخت‌افزاری آنرا ضروری ساخت. اوباما در سال ۲۰۱۱ پس از اعتراضات مصری‌ها گفت

1. Affinity Partners

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

حسنی مبارک باید مسند قدرت را ترک کند و این موضوع اصلا به مذاق سعودی‌ها خوش نیامد و ذهنیت سقوط شاه ایران را برای آنها تکرار کرد؛ عربستان احساس کرد که پاسبان قدیمی‌اش او را رها کرده است (هوبارد، ۱۳۹۹: ۶۰). عدم واکنش آمریکا به حمله پهپادی به تاسیسات آرامکو در سال ۲۰۱۹ نیز بشدت بر ادراک مقامات عربستان در این زمینه تاثیر گذاشت. ایالات متحده حتی در سال ۲۰۲۱، هشت سکوی موشک پاتریوت و صدها سرباز ناظر بر کار این تجهیزات را از چند کشور عربی ازجمله عربستان و کویت خارج کرد(Nissenbaum & Jones, 2022: 4).

همچنین خروج نظامیان آمریکایی از افغانستان در سال ۲۰۲۱ و نیز خروج از عراق و بر چینش تاسیسات دفاع موشکی از خلیج‌فارس نیز مزید بر علت شد. در حالی‌که جورج بوش پسر راهبرد حداکثری حضور نظامی در خاورمیانه را اجرا می‌کرد، اوباما و سپس ترامپ تقویت توان دفاعی شرکای منطقه‌ای خود را در دستورکار قرار دادند (Kaya, 2022: 14) بایدن در سفر به عربستان در سال ۲۰۲۲ نیز اگرچه از تداوم حضور نظامی آمریکا در منطقه خبر می‌داد اما سعودی‌ها به خوبی می‌دانند که ایالات متحده دیگر حاضر به پرداخت هزینه‌های سنگین نظامی در خاورمیانه نیست.

در چنین محیط ذهنی و عملیاتی، عربستان در پرتو راهبرد مصون‌سازی، تقویت توان نظامی خود و همکاری گسترده با طیفی از تولیدکنندگان سلاح را در دستورکار خود قرار داده است. عربستان سعودی برخلاف دهه‌های گذشته، توان نظامی خود را صرفا از طریق آمریکا تقویت نکرده است. تا پیش از دهه ۱۹۹۰ آمریکا بود که نوع و میزان سلاح را برای عربستان تعیین می‌کرد اما با راهبرد مصون‌سازی، دست عربستان برای متنوع‌سازی منابع خرید سلاح باز شده و حتی از این طریق از آمریکا باج گیری تسلیحاتی می‌کند.

موازنه سخت عربستان با خرید پیشرفته‌ترین سلاح‌ها و فناوری‌های نظامی از همه قدرت‌های بزرگ دنیا مانند آمریکا، چین، روسیه، کشورهای اروپایی و حتی همکاری نظامی با اسرائیل تعقیب شده است. بررسی میزان هزینه نظامی و آمار میزان واردات سلاح عربستان طی سال‌های اخیر بیانگر تلاش عربستان برای موازنه‌سازی سخت است. بودجه نظامی عربستان در سال ۲۰۱۵، ۸۷/۲ میلیارد دلار بوده که پس از آمریکا و چین در رده سوم جهان قرار داشت و ۵/۲ درصد کل هزینه نظامی جهان را به خود اختصاص داد. بودجه نظامی عربستان نسبت به دوره زمانی ۲۰۰۶ - ۲۰۱۵ بیش از ۹۷ درصد افزایش یافت. بودجه نظامی در حالیکه در سال ۲۰۰۶ تنها ۷/۸ درصد تولید ناخالص ملی این کشور بود، در سال ۲۰۱۵ به ۱۳/۷ درصد افزایش یافت. این در حالی است که این نسبت برای کشورهایی چون فرانسه و بریتانیا کاهش

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

نشان داد و برای ایتالیا تا۳۰ درصد کاهش داشت. عربستان در سال ۲۰۱۹ میلادی با اختصاص ۱۰/۱ درصد از تولید ناخالص داخلی به هزینه‌های نظامی در میان کشورهای شورای همکاری رتبه نخست را داشت و حدودا ۷۸/۴ میلیارد دلار برای مسائل نظامی هزینه کرد. براساس آمار مرکز مطالعات صلح استکهلم، میزان بودجه نظامی عربستان سعودی در سال ۲۰۲۱ به ۵۷/۶ میلیارد دلار رسید. این رقم ۸/۴ درصد از تولید ناخالص داخلی عربستان و ۲/۹ درصد از کل هزینه-کرد نظامی جهان است (SIPRI, 2021). از این منظر عربستان در جایگاه ششم قرار دارد. میزان هزینه‌کرد نظامی از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ در حدود ۶۳ درصد افزایش یافته است و عربستان تعداد نیروهای مسلح خود را به ۲۵۲ هزار نفر افزایش داده است. (SIPRI, 2021).

بخش دیگری از این موازنه‌سازی سخت به تلاش برای ورود فنآوری ساخت تسلیحات به عربستان است. یکی از انتقادات جدی به سیاست نظامی و دفاعی عربستان سعودی اتکای بیش از حد آن به واردات تسلیحات است. از این منظر، در اسناد بالادستی عربستان و به‌ویژه سند ۲۰۳۰ روی بومی‌سازی صنایع نظامی و تجهیزات دفاعی تمرکز بالایی شده است. براین اساس طرح‌های بلندپروازنه‌ای برای بومی‌سازی صنایع نظامی به میزان ۵۰ درصد از هزینه‌های نظامی تا سال ۲۰۳۰ میلادی وجود دارد و حتی در پی آن است تا بخشی از تسلیحات مهم تولید خود را به دیگر کشورها صادر نماید و ضمن اشتغالزایی برای ۴۰ هزار نفر، ۱۴ میلیارد ریال (۳/۷ میلیارد دلار) در تولید ناخالص داخلی سهیم خواهد بود. این انتظار وجود دارد که میزان سرمایه‌گذاری در بخش تسلیحات نظامی عربستان به حدود ۱۰ میلیارد دلار برسد (Hoyle, 2022: 5).

عربستان سعودی در کنار خرید تسلیحات از ایالات متحده که نمونه آن را می‌توان در قرارداد ۱۱۰ میلیارد دلاری عربستان با دولت ترامپ مشاهده نمود، قراردادهای نظامی سنگینی با سایر دولت‌ها امضا کرده که عنصر مصون‌سازی در آن بارز است. نمونه آن را می‌توان در امضای قرارداد خرید سامانه دفاع هوایی اس ۴۰۰ و قرارداد ساخت کلاشینکف در عربستان مشاهده کرده که در فوریه ۲۰۲۱ مشاهده نمود (Parker & Lynch, 2021: 20).

۴-موازنه نرم

بخشی دیگر از راهبرد مصون‌سازی بهره‌گیری از موازنه نرم است. بهره‌گیری از این نوع موازنه بیشتر در قبال رقبای منطقه‌ای صورت می‌گیرد زیرا در توسل به ابزار سخت در قبال این رقبای منطقه‌ای بسیار

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

پرهزینه است و از این‌رو راهبرد مصون‌سازی بهره‌گیری از موازنه نرم را پیشنهاد می‌دهد. موازنه نرم، در سطح بین‌المللی توسط سایر دولت‌ها برای موازنه هژمون و در سطح منطقه‌ای از طریق تلاش برای محدودسازی رقیب منطقه‌ای رخ می‌دهد. سازوکارهای مهم این نوع موازنه‌سازی عدم پذیرش سرزمینی، دیپلماسی درگیرسازی، تقویت قدرت اقتصادی و عزم راسخ برای موازنه از طریق سازمان‌های بین المللی و منطقه‌ای است (Pape, 2005: 34)

در حقیقت، در راهبرد مصون‌سازی، موازنه نرم برای مقابله به رقبای منطقه‌ای است. با توجه هزینه‌های بالای کاربست قدرت سخت در قبال جمهوری اسلامی، موازنه‌سازی نرم به بخش اصلی راهبرد مصون‌سازی عربستان سعودی در قبال جمهوری اسلامی و سایر رقبای منطقه‌ای تبدیل شده است. هدف از کاربست موازنه نرم در قبال جمهوری اسلامی و سایر رقبای منطقه‌ای عربستان، جلوگیری از تبدیل شدن این دولت‌ها به هژمون منطقه‌ای است. این موازنه‌سازی نرم در چارچوب عزم راسخ عربستان برای موازنه از طریق سازمانه‌های منطقه‌ای نظیر شورای همکاری خلیج‌فارس، اتحادیه عرب و سازمان همکاری اسلامی برای مقابله با گسترش نفوذ جمهوری اسلامی بوده است. بخش دیگری از این موازنه‌سازی نرم در چارچوب تلاش برای درگیرسازی جمهوری اسلامی در جبهه‌های مناقشات مختلف در منطقه از قبیل سوریه، یمن، افغانستان و عراق بوده است. همچنین با تقویت نیروهای نیابتی خود در منطقه در پی جلوگیری از اشباع سرزمینی جمهوری اسلامی در سوریه، لبنان، عراق و افغانستان بوده که به نظر می‌رسد در این راستا توفیق چندانی نداشته است.

این موازنه‌سازی نرم صرفا معطوف به جمهوری اسلامی ایران نیست و تمام دولت‌های رقیب در منطقه را در برمی‌گیرد. ناکامی در کاربست نیروی نظامی توسط عربستان در یمن و هزینه‌های بالایی که این جنگ از نظر اقتصادی و اعتبار به عربستان وارد کرد سبب شده تا موازنه‌سازی نرم به محور اصلی راهبرد مصون‌سازی عربستان در قبال منطقه تبدیل گردد. اتخاذ تحریم‌های گسترده در قبال قطر در سال ۲۰۱۷، نیز در چارچوب این نوع موازنه‌سازی قابل بررسی است.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

نتیجه‌گیری

پس از گردآوری داده‌ها در پرتو چارچوب نظری مصون‌سازی و پردازش فرضیه مقاله می‌توان استنباط کرد که راهبرد مصون‌سازی در سیاست خارجی عربستان برآیند ادارک سیاست‌گذاران این کشور از ظرفیت‌ها و مزیت‌های نسبی عربستان؛ گذار نظام بین‌المللی و بازتولید قدرت و ثروت در عرصه بین‌المللی است. عربستان علاوه بر ذخایر عظیم انرژی؛ از نظر هویتی موقعیت ویژه‌ای در جهان اسلام دارد و محور بسیاری از نهادهای منطقه‌ای و اسلامی است. این راهبرد عربستان با کاهش موقعیت آمریکا در جهان و تصمیم این کشور برای تمرکز منابع قدرت خود در مواجهه با چالش قدرت‌های نوظهور و نیز سیاست جهانی چین و روسیه تلاقی کرده است. راهبرد مصون‌سازی از یکسو با کاهش اولویت خاورمیانه برای آمریکا و کاستن از تعهدات آن و احاله مسولیت به بازیگران منطقه‌ای بویژه عربستان و اسرائیل و از سوی دیگر با تمایلات چین و روسیه برای نقش‌آفرینی در خاورمیانه مصادف شده است. عربستان نمی-خواهند چین و روسیه جای آمریکا در منطقه را بگیرد. اما خواهان این است که از نفوذ اقتصادی چین و موقعیت سیاسی- نظامی روسیه برای فشار بر آمریکا استفاده کند تا این کشور را در مورد ادامه حمایت از کشورهای منطقه قانع کنند. همچنین بخشی از تلاش عربستان برای گسترش روابط با چین و روسیه ذیل سناریوی احتمالی خروج آمریکا از منطقه انجام می‌شود؛ همانگونه که قبلا بریتانیا از این منطقه خارج شده بود.

گرچه بخش عمده‌ای از راهبرد مصون‌سازی عربستان به منظور مقابله با جمهوری اسلامی اتخاذ شده اما نمی‌توان تمام این راهبرد را به مقابله با ایران تقلیل داد زیرا در شرایطی که روابط عربستان با آمریکا، چین، روسیه و بازیگران منطقه‌ای تقویت می‌شود، همزمان سطح تنش عربستان با ایران نیز کاهش یافته است. عربستان تنها می‌کوشد از طریق مزیت‌های نسبی، با گسترش روابط خود با روسیه و چین، از طریق آنها بر ایران فشار وارد کند و همزمان با توجه به برخی سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا از دوره ریاست جمهوری اوباما، بر آمریکا نیز فشار وارد کند تا سیاست‌های خود در قبال عربستان را تعدیل کند و به نوعی باجگیری کند. در همین حال نمی‌توان رویکرد شرق‌گرایانه عربستان را به-مثابه غرب‌گریزی آن تعبیر کرد بلکه فرصتی تاریخی برای برقراری ارتباط نسبتا متوازن به سود منافع خود بدست آورده است. مقامات سعودی تلاش دارند حتی خود را برای بدترین سناریوی ممکن یعنی وقتی حضور آمریکا در منطقه با زهم کمرنگ‌تر شود، آماده کنند. افزایش قدرت سخت‌افزاری و همکاری گزینشی با همه قدرت‌های بزرگ دنیا و منطقه برای خرید تسلیحات پیشرفته دفاعی- تهاجمی و بومی

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

سازی آنها، با اهداف میان‌مدت و بلندمدت انجام می‌شود. عربستان در پرتو راهبرد مصون‌سازی، برای گذار به دوره پسانفت نیز برنامه های بلندمدتی طراحی کرده است. متنوع‌سازی درآمد و طرف‌های تجاری با این هدف انجام می‌شود. گسترش روابط عربستان با قدرت‌های مختلف، موازنه سازی سخت‌افزاری و نیز استفاده از مولفه‌های قدرت نرم و موازنه‌سازی نرم، عربستان را به رقیبی بسیار جدی برای جمهوری اسلامی تبدیل می‌کند که به نظر می‌رسد این سیاست درحال پیگیری است.

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

فهرست منابع

۱- آچاریا، آمیتا، (۱۳۹۹)، پایان نظم جهانی آمریکایی، ترجمه عبدالمجید سیفی، تهران: مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی وزارت امور خارجه.

۲- اندرسون، پری (۱۳۹۷)، فرمان و دیوان؛ سیاست خارجی امریکا و نظریه پردازان آن، ترجمه شاپور اعتماد، تهران: فرهنگ معاصر.

۳- پریفتی، بلدر (۱۳۹۶)، سیاست خارجی ایالات متحده در خاورمیانه، ترجمه عبدالمجید سیفی، تهران: نشر قومس.

۴- سریع‌القلم، محمود(۱۳۹۵)، «نظام بین‌الملل و ژئوپلتیک جدید خاورمیانه»، پژوهشنامه علوم سیاسی، ۱۲ (۱)، صص ۱۰۱-۱۴۰.

۵- کرونین، استفانی (۱۳۹۴)، ارتش و دولت‌سازی در خاورمیانه مدرن: سیاست، ناسیونالیسم و اصلاحات نظامی، ترجمه غلامرضا علی بابایی، تهران: مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی وزارت امور خارجه.

۶- هوبارد، بن (۱۳۹۹)، سیر قدرتیابی محمد بن سلمان، مترجمان صادق قربانی و حمیدرضا کاظمی، تهران: زرنوشت.

1. Abdulwahab, Sami (2021), ''The Linkage between Oil and Non-Oil GDP in Saudi Arabia'', Economies, 9 (4), 202-220.
2. Al-Tamimi, Naser (2012), ''China-Saudi Arabia Relations: Economic Partnership or Strategic Alliance?'' HH Sheikh Nasser al-Mohammad al-Sabah Publication Series, http://www.dur.ac.uk/alsabah/publications/insights/
3. Al-Saud, Faisal bin Salman (2003), Iran, Saudi Arabia and the Gulf, Power Politics in Transition 1968–1971, London: Tauris.
4. Arafat, Alaa Al-Din (2020), Regional and International Powers in the Gulf Security, Palgrave Macmillan.
5. Freiden, Evan (2022), ''Saudi Arabia and China: a blossoming friendship'' Retrieved from: https://www.lowyinstitute.org/the-interpreter/saudi-arabia-and-china-blossoming-friendship.
6. Goh, Evelyn (2005), ''Meeting the China Challenge: The US in Southeast Asian Regional Security Strategies'', Policy Studies Monograph, 16 (2), 106-120.
7. Hiep, Li (2013), ''Vietnam's Hedging Strategy against China since Normalization'', Contemporary Southeast Asia, 35 (3), 333-368.
8. Hoyle, Craig (2022), ''Destination Riyadh: highlights from debut World Defense Show'', Retrieved from: https://www.flightglobal.com/flight-international/destination-riyadh-highlights-from-debut-world-defense-show/148036.article
9. Houghton, Benjamin (2022), ''China's Balancing Strategy between Saudi Arabia and

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

Iran: The View from Riyadh'', Asian Affairs, 53 (1), 124-144.

10. Kaya, Dalia Dassa (2022), ''America's Role in a Post-American Middle East'', The Washington Quarterly, 45 (1), 7-24.
11. Koga, Kei (2018), ''The Concept of Hedging Revisited: The Case of Japan's Foreign Policy Strategy in East Asia's Power Shift'' , International Studies Review, 20 (4), 633–660.
12. Kuik, Cheng (2010), ''How Do Weaker States Hedge? Unpacking ASEAN states' alignment behavior towards China'', Journal of Contemporary China, 25 (2), 500-514.
13. Medeiros, Evan (2006), Strategic Hedging and the Future of Asia-Pacific Stability, The Washington Quarterly, 29 (1), 145–167.
14. Mehmetcik, Hike (2015), ''If you are not big enough, pick a strategy: Bandwagoning, Balancing, Hedging'', International Association for Political Science Students, Retrieved from: http://www.iapss.org/2015/04/29/if-you-are-not-big-enough-pick-a-strategy-bandwagoning-balancing-hedging.
15. Nissenbaum , Dion and Rory Jones (2022), ''Jared Kushner's New Fund Plans to Invest Saudi Money in Israel'', Retrieved from: https://www.wsj.com/articles/jared-kushners-new-fund-plans-to-invest-saudi-money-in-israel-11651927236
16. Ottaway, David and Robert Kaisar (2022), ''Marriage of Convenience: The U.S–Saudi Alliance, The Washington Post, Retrieved from: https://www.washingtonpost.com/wp-srv/liveonline/02/news/news_saudi021302.htm
17. Ottaway, David (2021), Mohammed bin Salman : the Icarus of Saudi Arabia, Colorado : Lynne Rienner Publishers
18. Pape, Robert (2005), ''Soft balancing against the United States'', International Security, 30 (1), 23-40.
19. Pollack, Josh (2002), ''Saudi Arabia and the United States'', Middle East Review of International Affairs, 6 (3), 77-102.
20. Parker, John and Thomas Lynch (2021), ''Russia and Saudi Arabia: Old Disenchantments, New Challenges'', Strategic Perspective, No. 35, 19-36.
21. Riedel, Bruce (2020), ''Saudi Arabia's relations with China: Functional, but not strategic'', Brookings Report, Retrieved from: https://www.brookings.edu/articles/saudi-arabias-relations-with-china-functional-but-not-strategic/

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]

22. Sarie'olghalam Mahmoud (1395), ''International System and Modern Geo-Politics in Middle East'', Research Letter for Political Science, 12 (1), 101-140.

23. Sarwar, Suleman, Dalia Streimikiene, Rida Waheed, Ashwag Dignah and Asta Mikalauskiene (2021), ''Does the Vision 2030 and Value Added Tax Leads to Sustainable Economic Growth: The Case of Saudi Arabia?'' Sustainability, 13 (2), 110-129.

24. SIPRI (2021), USA and France dramatically increase major arms exports; Saudi Arabia is largest arms importer, says SIPRI, Retrieved from :https://www.sipri.org/media/press-release/2020/usa-and-france-dramatically-increase-major-arms-exports-saudi-arabia-largest-arms-importer-says

25. Szalai, Má té (2020), The foreign policy of smaller Gulf states: size, power, and regime stability in the Middle East, New York: Rutledge.

26. Tessman, Brian and Wolfe (2011), ''Great Powers and Strategic Hedging: The Case of Chinese Energy Security Strategy'', International Studies Review, 13 (2), 214-240.

27. Thompson, Mark and Neil Quilliam (2022), Governance and domestic policymaking in Saudi Arabia. Transforming Society, Economics, Politics and Culture, London: TAURIS.

28. Zhiqiang, Wang and Jun Zhao (2022), ''Internal structural changes in China-Arab League relations: characteristics, motivations and influences'', Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies, 16 (1), 79-101.

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۴۰۳۰۲

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید:

سیفی، عبدالمجید؛ پورحسن، ناصر (۱۴۰۳)، «گذار به راهبرد مصون‌سازی: الگوی نوین رفتاری سیاست خارجی عربستان سعودی» فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۱۴، ش۳، پاییز ۱۴۰۳، صص ۵۸-۳۳.

[Downloaded from priw.ir on 2026-09-13]